

## پلنوم‌های او ۲ و ۳ کمیته مرکزی حزب توده ایران \*

پلنوم‌های اول تا سوم کمیته مرکزی حزب توده ایران بلافاصله پس از پایان کار کنگره دوم تشکیل شد. طبق اساسنامه جدید حزب پلنوم کمیته مرکزی باید هر سه ماه یکبار تشکیل می‌شد. شرکت مشاوران کمیته مرکزی نیز در این پلنوم‌ها پیش‌بینی شده بود، اما آنها تنها به‌عنوان ناظر و بدون برخورداری از حق رأی در جلسات پلنوم شرکت می‌جستند.

بلافاصله پس از پایان کنگره دوم نخستین پلنوم کمیته مرکزی تشکیل شد که در این پلنوم هیأت اجرائیه دائمی مرکب از ۱۱ نفر انتخاب گردید و رهبری سیاسی و سازمانی حزب را در فاصله دو پلنوم برعهده گرفت.

اولین پلنوم اعلام داشت که علیرغم روش گذشته که نقایصی در کار تشکیلات و کیفیت کار وجود داشت، بهبود کیفیت و مقدم شمردن آن را بر کمیت ارجح می‌شمارد. ارتقاء کیفی و افزایش امکانات برای بالا بردن سطح آگاهی سیاسی اعضاء مورد توجه قرار گرفت و در این رهگذر علاوه بر نشریات سیاسی و تئوریک، بر ثمربخشی کلاس‌های کادر و افزایش تعداد آنها تأکید شد.

دومین پلنوم در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۲۷ با شرکت ۱۵ نفر اعضاء اصلی و ۱۳ نفر اعضاء مشاور کمیته مرکزی تشکیل شد.

در این پلنوم پس از بحث درباره گزارش عمومی و تصویب آن، قطع‌نامه عمومی دومین مجمع کمیته مرکزی حزب به‌تصویب رسید.

پلنوم آئین‌نامه‌های داخلی شعب دستگاه رهبری را تصویب نمود و چارچوب برنامه کار حزب را در سه ماه آینده تعیین کرد.

در تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۲۷ سومین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد. پلنوم قطع‌نامه‌ای را تصویب نمود که ضمن آن فعالیت هیأت اجرائیه را رضایت‌بخش ارزیابی کرد و توجه او را به دفاع از حقوق مردم و افشای نقشه‌های امپریالیسم جلب نمود.

سومین پلنوم توجه کافی به کار در شهرستان‌ها، تشدید فعالیت تبلیغاتی و گسترش کار در میان دهقانان را توصیه کرد.

مسئله مهم مطروحه در پلنوم‌های دوم و سوم ضرورت مقابله با فشار و تضییق رژیم بود. ارتجاع و استعمار که پس از شکست نهضت‌های آذربایجان و کردستان، یورش خود را علیه حزب توده ایران به‌وسیله نیروهای سرکوبگر پلیس و ژاندارمری و ارتش و دسته‌های اوباشان آغاز کرده و با وجود ضربات شدید به حزب ناکام مانده بودند و از اقدامات تفرقه‌جویانه مرتدانی نظیر خلیل ملکی و انور خامه‌ای نیز برای درهم شکستن حزب از درون نتیجه نگرفته بودند، خود را برای یورش جدیدی که غیرقانونی اعلام کردن حزب بود، آماده می‌کردند. حزب توده ایران در چنین شرایطی ضمن افشای نقشه‌های خائنانه شاه و امپریالیست‌های انگلیس و آمریکا خود را برای مقابله با آن آماده می‌کرد. به این ترتیب تصمیم گرفته شد تدارکات لازم برای مخفی کردن ۱۰۰۰ نفر از کادرهای حزبی دیده شود. اما قبل از آنکه تصمیمات این دو پلنوم در این زمینه عملی گردد، رژیم خائن شاه با بهره‌گیری از حادثه ۱۵ بهمن در دانشگاه تهران، فعالیت حزب توده ایران را غیرقانونی اعلام کرد.

\* با استفاده از کتاب‌های «اسناد و دیدگاه‌ها» و «چهل سال در سنگر مبارزه»